

فرا ترکیب آثار منتشره مرتبط با اندیشه سیاسی امام خمینی با تأکید بر روش شناسی پژوهش

محمد محمودی کیا

استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام؛ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

چکیده

از آنجایی که اندیشه سیاسی امام خمینی زیربنا و شالوده عمده نظم فکری حاکم بر اندیشه تأسیس جمهوری اسلامی ایران است؛ لذا هرگونه تلاش برای شناخت ماهیت این نظم سیاسی نوپدید در جهان معاصر، لاجرم از شناخت قریب به واقع از ماهیت، ارزش‌ها و سازوکارهای درونی نظام اندیشه‌ورزی سیاسی بنیان‌گذار آن است. از این رو، تلاش‌های نظری نه چندان پر تعداد برای تبیین اصول روش‌شناختی حاکم بر مطالعه و فهم اندیشه سیاسی ایشان از سوی پژوهشگران و کاوندگان علوم سیاسی کشور انجام پذیرفته و روش‌های مختلفی برای این امر پیشنهاد شده است.

نگارنده با هدف ارزیابی از میزان کارایی و اثربخشی روش‌های پیشنهادی موجود، درصدد است تا با بهره‌گیری از روش فرا ترکیب، روش مطلوب و کارآمد برای این امر را معرفی نماید. یافته‌های پژوهش حاضر بدین قرار است که فهم اندیشه سیاسی امام خمینی در چهارچوب قرائت نوگرایان فقهی معاصر یا همان جریان عقل‌گرای اجتهادی شیعی میسر بوده و خوانش ایشان از امر سیاسی نیز متأثر از همین فهم فقیهانه از سیاست است؛ لذا برخلاف آنچه برخی معتقدند، تقدم مصالح نظام اسلامی بر احکام اسلامی به نوعی کنار گذاشتن شریعت به نفع امر عرفی است. نگارنده بر این باور است که این رویکرد ناشی از فهم فقیهانه و نگرش نواندیشانه ایشان نسبت به امر دینی و قدسی است. در بُعد دوم این تحقیق که مسئله روش فهم است، به نظر می‌رسد در باب روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی، عنصر زمان و مکان نقش محوری داشته و کاربست روش‌های متن‌گرا در کنار روش‌های برهانی-عقلی می‌تواند ظرفیت بالاتری برای فهم اندیشه سیاسی ایشان را فراهم آورد.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، امام خمینی، اندیشه سیاسی، روش متن‌گرا، امر سیاسی، روش فرا ترکیب.

طرح مسأله

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری مؤثر امام خمینی، منجر به پیدایش تغییرات بنیادین در ماهیت نظام سیاسی در دوره پساانقلاب و نیز شکل‌گیری الگوی نوینی از حکمرانی با تلفیقی از اسلام و دموکراسی در قالب الگوی مردم‌سالاری دینی گردید. از این منظر، ایشان برجسته‌ترین فقیه شیعی معاصر هستند که توانستند با احیای اندیشه مردم‌سالاری دینی و اجتهاد نوآورانه در آن، شیوه‌ای از حکومت دموکراتیک را مبتنی بر مفاهیم و اصول بنیادین اعتقادی اسلامی - شیعی بنا نهند. این قرائت از اسلام سیاسی که به شدت تحت تأثیر تفسیر و نوع قرائت بنیان‌گذار نظام جدید در ایران بود، درصدد استقرار نوعی متفاوت از نظم سیاسی در عرصه داخلی و خارجی بود که امر عرفی و امر قدسی را تحت یک سامانه معنایی و نظری جدید با محوریت نهاد «ولایت فقیه» به هم پیوند دهد. درواقع، اساس اندیشه سیاسی امام خمینی بر بستر فهمی فقیهانه از سیاست با تأکید بر نقش زمان و مکان در اجتهاد استوار است که می‌توان از آن به‌عنوان چهارچوب تحلیلی مرجع در اندیشه سیاسی ایشان نیز یاد کرد. با این وصف، علی‌رغم این که در دوره ده ساله رهبری ایشان بر نظام سیاسی جدید اقدامات مؤثری برای تبیین منطق درونی این دستگاه تحلیلی توسط خود ایشان و برخی از تربیت‌یافتگان برجسته مکتب فقهی ایشان صورت گرفت، بروز برخی حوادث نیز بر هرچه پررنگ مطرح شدن آن در فضای عمومی جامعه نیز بی‌تأثیر نبود. با این حال، باب اجتهاد و اندیشه‌ورزی در اندیشه سیاسی ایشان تحت تأثیر رخدادهای سیاسی مختلف و پرشدت همچون آشوب‌ها و ناآرامی‌های داخلی و نیز متعاقب آن، جنگ تحمیلی هشت ساله مورد غفلت واقع شد و از این رو، تلاش‌های نظام‌مند و روش‌مند مؤثر قابل توجهی برای روزآمد کردن اندیشه سیاسی ایشان برای پاسخگودن نظام سیاسی نسبت به موضوعات جدید و مسائل مستحدثه صورت نگرفت؛ هرچند طی سال‌های اخیر آثار ارزشمندی در زمینه فهم منطق درونی الگوی نظری امام خمینی در حوزه سیاسی منتشر شده است.

پژوهش حاضر این دیدگاه را مطرح می‌کند که اصلی‌ترین پیش‌نیاز برای بازسازی، ترمیم و نیز جلوگیری از بروز هرگونه انسداد در مسیر اندیشه‌ورزی سیاسی، شناخت منطق درونی رویکرد تفکری امام خمینی و نیز گشودن باب اجتهاد در ابواب مختلف اندیشه سیاسی، اجتماعی، فقهی و اصولی ایشان و نیز خلق دستگاه‌های نظری پویا برای شناخت چستی اندیشه و منظومه فکری ایشان و سپس پاسخگو و کارآمد ساختن نظام سیاسی نسبت به مسائل و چالش‌های فراروی آن مبتنی بر این سامانه نظری است. لذا، نویسنده معتقد است راهکار برون‌رفت از برخی از

چالش‌های سیاسی و اجتماعی، تنها از مسیر اجتهاد مستمر در نظام اندیشگی انقلاب اسلامی میسر خواهد بود و علاج هر نارسایی را می‌بایست در این حوزه جستجو کرد. فقه شیعی به‌عنوان یک جریان فقهی اصیل، پویا و عقل‌گرا، ظرفیت بالایی برای مواجهه عقلایی با مسائل روز را دارد و توجه به ظرف زمانی و مکانی در نحوه پاسخگویی به ضرورت‌های دینی نیز ویژگی برجسته دیگری است که می‌تواند به بسط ظرفیت فقه شیعی در پاسخگو کردن آن نسبت به مسائل نوپدید کمک نماید. با عنایت به این مقدمه، این پرسش مطرح می‌شود که بر اساس چه روشی می‌توان به خوانشی قریب به‌واقع، کارآمد و مؤثر از نظام اندیشگی امام خمینی دست یافت؟

۱. چهارچوب مفهومی

این نوشتار امر سیاسی را به‌عنوان مفهوم کانونی خود در نظر دارد. بر این اساس، امر سیاسی امری است که در ذات آن سیاست نهفته است و ذاتاً سیاسی است. از این رو، فهم چیستی امر سیاسی مستلزم فهم مقصود از «امر» در مرحله نخست و فهم مقصود از «سیاسی» بودن در مرحله دوم است. امر در این ترکیب حالتی استعاره‌ای دارد و هر آن چیزی است که امکان اتصاف به وصف سیاسی را ذاتاً داراست. از این رو، امر می‌تواند ناظر به فعل، عمل و رفتار، و وضعیت، حالت و شأن باشد. بدین ترتیب، فعل/عمل/رفتار سیاسی و وضعیت/حالت/شأن سیاسی بیان تفصیلی امر سیاسی را نشان می‌دهد (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

فهم امر سیاسی مستلزم فهم سیاست و تعریفی است که از سیاست می‌شود؛ چراکه اگر منظور از امر سیاسی هر امری که مرتبط با سیاست باشد باید بینیم سیاست چیست. در این زمینه نکته قابل توجه این است که وجه مشترک اکثر قریب به اتفاق تعریف‌ها از سیاست و امر سیاسی مقوله قدرت است. یعنی امر سیاسی را هر طور تعریف کنیم به نسبت میان امر سیاسی و قدرت می‌رسیم یعنی سیاست و امر سیاسی با قدرت سروکار دارند (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

حوزه و قلمرو امر سیاسی غیر از حوزه و قلمرو امر اجتماعی، امر اقتصادی یا هر امر دیگر است. برخی معتقدند که:

امر اجتماعی نه در مفهوم مردم بلکه به معنای چیزی است که در جامعه مؤثر است و به‌صورت قاطعانه جامعه را تغییر می‌دهد یا به جامعه امکان می‌دهد که به سمت بهتر شدن یا به سمتی برود که کنشگران جامعه از آن رضایت بیشتری داشته باشند.

امر اجتماعی یعنی کنش در سطح روزمرگی و در شکل پیوستاری آن. اما امر سیاسی چیزی است که در رأس سیستم اتفاق می افتد (حسنی فر، ۱۳۹۶: ۳۶-۳۵).

موفه با تمایز قائل شدن بین سیاست و امر سیاسی، سیاست را سطح آنتیک^۱ دانسته و امر سیاسی را سطح آنتولوژیک^۲ یعنی سطحی که کردارهای متنوع سیاست است و شیوه‌ای است که یک جامعه بر اساس آن تأسیس می شود، معرفی می کند (موفه، ۱۳۹۱: ۱۶).

ژولین فروند^۳، در تعریفی موسع، امر سیاسی را به هر چیزی که به مدیریت اجتماعی مردم، سازمان‌دهی شرایط بیرونی و جمعی مردم مثل برقراری انضباط، تسهیل و هماهنگی داد و ستدهای گوناگون و بی‌شمار و روابط ممکن افراد، وظیفه مراقبت از خیر مشترک واحد سیاسی، مراقبت و دارایی ویژه هر عضو جامعه مرتبط با مقوله‌هایی چون زور و اجبار و حتی نیرنگ اشاره دارد، اطلاق می کند (فروند، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۲۲).

در مجموع، امر سیاسی مفهومی است که با سه حوزه جامعه، حکومت و قدرت ارتباط پیدا می کند. جامعه حوزه‌ای سیال و دگرگون‌پذیر و همیشه در حال تغییر است و متناسب با توان، قدرت خود و قدرت حکومت موضع‌گیری سه‌گانه مقابله، همکاری و انفعال را دارد که شکل دهنده به امر سیاسی در اجتماع است. حکومت حوزه‌ای است که به دنبال تغییر در خود نیست و به تعبیری ثبات و بقاء و امنیت از مفاهیم ذاتی آن شده است. قدرت هم از مقوله‌هایی است که بین جامعه و اصحاب حکومتی آن در نوسان است. یعنی هم در جامعه و هم در حکومت به انحاء متفاوت و با توجه به شرایطی که هست، وجود دارد. شناخت امر سیاسی بید در تعامل و ارتباط بین این سه حوزه صورت پذیرد (حسنی فر، ۱۳۹۶: ۵۰).

لذا، در این نوشتار به دنبال ارائه مشی روش‌شناسانه برای فهم ساختار اندیشه سیاسی امام خمینی در باب موضوعات مرتبط با امر سیاسی همچون مشروعیت سیاسی، مرزهای حاکمیت دولت، نحوه مدیریت تعارض منافع بازیگران، جامعه مدنی، مشارکت سیاسی، تحزب، قانون و ... هستیم و اینکه در زمان فعلی بر اساس چه الگویی می توان به روزآمد کردن اندیشه سیاسی ایشان در باب حکومت و جامعه اقدام نمود؟ لذا، در این نوشتار امام خمینی به مثابه یک مکتب

1. Ontic
2. Ontologic
3. Julien Freund

فکری مورد بررسی قرار می‌گیرد که به‌عنوان نماینده برجستهٔ مکتب عقل‌گرای اجتهادی در زمان اکنون مطرح است.

۲. روش پژوهش

۲-۱. ملاحظات روش‌شناختی

قبل از ورود به بحث روشی، لازم است در ابتدا اشاره‌ای به مجادلات روشی در زمینهٔ امکان و یا عدم امکان کشف عالم ذهنی یک متفکر نماییم. در واقع، اگرچه برخی از پژوهشگران معتقدند که هر اندیشمندی، عالمی غیرقابل کشف تجربه‌ناپذیر و منحصر به فرد دارد که قابل دسترسی نیست؛ با این حال، برخی دیگر و به‌طور اغلب نیز این باور پذیرفته شده که اندیشه‌ها، قیاس‌پذیر و کشف‌شدنی هستند و می‌توان به عالم ذهنی مؤلف یا متفکر راه یافت و مراد و مقصود نیمه پنهان او را کشف کرد. تحلیل درون‌مایه متن، به هم‌راه روان‌کاوی شخصی و اجتماعی متفکر، ما را به عالم ذهنی او هدایت می‌کند و بدین طریق با اندیشه‌های اصیل او آشنا می‌سازد و لذا هر چند ناقص می‌توان الگویی برای ورود به عالم متفکر، به‌منظور توضیح و تفسیر افکار او، طراحی کرد (عیوضی، ۱۳۹۶: ۹۶). از بُعد نظری این امکان وجود دارد تا با مطالعهٔ نظام‌مند در منظومهٔ فکری یک اندیشمند بتوان به چهارچوب و اصول کلی برای خلق یک دستگاه تحلیلی برای کاربست آن در امر سیاسی دست یافت و از آن به‌عنوان یک دستگاه تحلیلی مرجع برای تفسیر پدیده‌های سیاسی بهره برد. طبعاً پژوهش پیرامون منظومه اندیشگی امام خمینی به‌عنوان یک فقیه متبحر، فیلسوفی متأله و عارفی سترگ از یک سو و رهبر یک نظام سیاسی از سوی دیگر، از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است و نویسنده نه قصد آن و نه ظرفیت علمی لازم را برای پرداختن به آن دارد. در واقع، آنچه در این نوشتار مقصود است آن بخش از نظام اندیشگی ایشان است که به حوزهٔ سیاست ارتباط معنادار و وثیقی پیدا می‌کند؛ چراکه موضوعات علمی دیگر در جای خود مورد نظر محققان بوده و طبعاً خارج از دایرهٔ توجهات این نوشتار است؛ لذا با توجه به سوابق پژوهشی موجود در زمینهٔ این تحقیق، با کاربست روش فراترکیب سعی می‌شود با برقراری ارتباط معنادار میان یافته‌های پژوهشی، الگویی از فهم اندیشهٔ سیاسی امام خمینی ارائه شود.

۲-۲. ملاحظات روش‌شناختی در فقه سیاسی امام خمینی

الگوی روش‌شناسی فقه سیاسی، اجتهاد است. فقه سیاسی امام خمینی مقصود از عقل‌گرایی،

پذیرش عقل در حکم یک منبع معرفتی است. دانش عقل‌گرا دانشی است که محصول تأملات عقلی و تلاش‌های فکری نمایندگان آن است. فقه سیاسی به‌رغم نص‌گرا و سنت‌گرا بودن، عقل‌گرا نیز تلقی می‌شود. در فقه سیاسی شیعه، عقل در حوزه مستقلات عقلیه به‌مثابه یک منبع و در غیر این موارد به‌مثابه روش فهم و استنباط حکم شرعی از نصوص دینی پذیرفته می‌شود (میراحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه‌ی عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبش عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است (امام خمینی، ج ۲۱: ۲۸۹).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در این تعریف از فقه عنصر حکومت، نقش و جایگاه آن نیز مورد توجه است. امام خمینی در پیام خویش مشهور به «منشور روحانیت» (امام خمینی، ج ۲۱: ۲۷۳) در تبیین مسئله اجتهاد صحیح در حوزه‌های علمیه، پیوند وثیق حکومت را با فقه نشان داده‌اند. گسست فقه از حکومت و فقیه از اجتماع و سیاست موجب انزوای ناکارآمدی فقه در دنیای امروز خواهد شد. امام در این فراز از پیام خویش به جنبه عملی فقه و تحقق کامل احکام الهی که دانش فقه عهده‌دار تبیین آن است، نظر دارد. ایشان معتقد بود:

همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد (امام خمینی، ج ۲۱: ۲۹۰-۲۸۹).

به باور ورعی (۱۳۹۴)، امام خمینی در سال‌های پایانی عمر خود به عناصری که فقه را از «مدارس» به «جامعه» می‌کشاند و از مرحله «تئوریک» به مرحله «عملی» سوق می‌دهد، اصرار می‌ورزید. تکیه بر عناصر «زمان و مکان» و تأثیر آن‌ها در اجتهاد، شناخت درست «حکومت و جامعه» و احاطه فقیه به «مسائل زمان خود» همگی در همین راستا بود. فقه فرصتی برای تحقق عملی یافته بود و باید توانایی و کارآمدی این دانش اصیل و برگرفته از معارف اهل بیت رسول خدا^(ص) در عمل ثابت می‌شد. با توجه به توضیحات فوق معلوم می‌شود که میان دو تعریفی که در آثار امام از فقه ارائه شده، تنافی و تهافتی مشاهده نمی‌شود. افزون بر نکاتی که از تعریف پیشین استفاده شد، می‌توان گفت:

۱. فقه تئوری اداره انسان در دنیا است؛

۲. عنصری که فلسفه‌ی عملی این تئوری است، همانا حکومت است و بدون حضور حکومت این

تئوری توان برخورد با معضلات اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی را ندارد؛

۳. بدیهی است که دانش فقه دانشی کاربردی است نه نظری محض، از این رو نمی‌تواند جدای از عناصری باشد که آن را در مقام عمل به منصفه ظهور می‌رساند و حکومت مهم‌ترین این عناصر است.

ملاحظه می‌شود که میان تعاریف امام خمینی از فقه با تعاریف مشهور فقهی تفاوت‌هایی وجود دارد. امام در تعریف نخست جایگاه دانش فقه را در مقایسه با دانش‌هایی مانند کلام، حکمت و عرفان نشان می‌دهد، ضمن آن که نقش فقه را در رسیدن به مقام قرب الهی هم یادآور می‌شود، و در تعریف دوم تأثیر و نقش حکومت را در رابطه با فقه ترسیم می‌کند و این همه در تعاریف مشهور فقهی مشاهده نمی‌شود (ورعی، ۱۳۹۴: ۹-۱۰).

۳. روش‌شناسی

روش فرا ترکیب^۱ نوعی فرامطالعه است که عمدتاً به صورت کیفی به شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی مانند نظریه داده بنیاد و بر روی مفاهیم و نتایج مورد استفاده در مطالعه‌های گذشته انجام می‌شود (Finfgeld, D. L., 2003: 65). در این روش متن پژوهش‌های گذشته می‌تواند به عنوان داده‌هایی برای پژوهش آتی مورد استفاده قرار گیرد. این روش با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از روش ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد و دانش جاری را ارتقا می‌دهد و دید جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل به وجود می‌آورد (Zimmer, L., 2006: 222).

به بیان دیگر، هدف فرا ترکیب ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است (Sand- 87: elowski, M. & Barroso, J., 2007). محققان ساخت نظریه را یکی از اهداف فرا ترکیب دانسته‌اند و این روش راه حل مناسبی برای استفاده از یافته‌های کیفی موجود جهت پردازش نظریه جدید است. به بیان دیگر، روش فرا ترکیب یکی از روش‌های جدید سنتز در حوزه مطالعات کیفی است که می‌تواند در گسترش و خلق تئوری‌ها، محققان علوم اجتماعی را یاری رساند و از طریق آن می‌توان سنتز و ترکیب یافته‌های مطالعات کیفی را با هدف ارائه تفسیر جدیدی از پدیده‌ها باز صورت بندی کرد.

در این پژوهش، ابتدا متناسب با پرسش‌های پژوهش موارد انتخاب می‌شوند و سپس برای تعیین کیفیت موارد انتخابی از یک «برنامه مهارت‌های ارزیابی ضروری» اصلاح‌شده استفاده خواهد شد. این برنامه ابزاری است که به طور معمول برای ارزیابی اولیه کیفیت پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود و شامل چند پرسش است که به محقق کمک می‌کند تا دقت اعتبار و اهمیت مطالعه کیفی تحقق را مشخص نماید. این پرسش‌ها بر موارد زیر تمرکز دارد:

۱. ارتباط عنوانی و موضوعی پژوهش؛

۲. روشمندی پژوهش؛

۳. اعتبار علمی نویسندگان؛

۴. بیان واضح و روشن یافته‌ها.

در این مرحله، پژوهشگر به هرکدام از این پرسش‌ها یک امتیاز کمی داده و هر منبعی که پایین‌تر از امتیاز مورد نظر را داشته، حذف می‌کند و منابع منتخب و نهایی به‌منظور دستیابی به یافته‌های محتوایی مرور و اطلاعات مندرج در آن‌ها دسته‌بندی می‌شود. در این مرحله، ضمن ثبت اطلاعات پایه مربوط به هر منبع (نام و نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار مقاله، یافته‌های آن پژوهش با مطالعه چکیده آن) استخراج و در مواردی که چکیده گویا نبوده به نتیجه‌گیری و در برخی موارد به کل متن رجوع شده و یافته‌های پژوهش‌ها در قالب گزاره‌های دقیق و صریح و به‌نحوی که تا حد امکان کوتاه و معنارسان باشند، فهرست می‌گردد. در واقع این کار، پراکندگی داده‌ها را در قالب این گزاره‌های فشرده جمع کرده و به فهم یافته‌ها انسجام می‌بخشد. به‌عبارت‌دیگر، از یافته‌های متنی، کدهای باز متصل به متن استخراج می‌شود؛ این کدها کوچک‌ترین واحد معنادار متن یافته را تشکیل می‌دهند و می‌تواند پایه نخست مفهوم‌سازی محسوب شود.

ترکیب یافته‌های پژوهش مختلف مهم‌ترین هدف فراترکیب و وجه ممیزه آن است؛ لذا این مرحله از اهمیت خاصی برخوردار است. اصولاً سنتز تحقیقات کیفی اجازه می‌دهد تا دانش حاصل از مطالعات کیفی در مورد پدیده‌ای خاص در درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از آن پدیده حاصل شود (Aguirre & Bolton, 2014: 280). نتیجه تلفیق ممکن است شامل ایجاد نظریه‌های جدید، ایجاد مدل‌های مفهومی، شناسایی شکاف در تحقیقات، افزودن وسعت درک

به دانش موجود، ارائه مدرک برای ارزیابی یا پیاده‌سازی یک خدمت و کمک به تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد باشد (Britten et al, 2002: 209). در این پژوهش، هدف ترکیب یافته‌ها و ایجاد نظریه جدید و یا مکمل درخصوص بازشناخت و طراحی سامانه معنایی الگوی نظری امام خمینی در مواجهه با امر سیاسی است و از تکنیک ترکیب یافته‌ها بر اساس چهارچوبی از پیش تعیین شده انجام می‌گیرد. به این منظور از چهارچوب فهم منطق درونی نظریه‌های توماس ای. اسپریگنز^۱ به‌عنوان مدلی برای فهم اندیشه‌ها کمک خواهیم گرفت؛ لذا استفاده از چهارچوب مفهومی مذکور می‌تواند انطباق مناسبی با آن داشته باشد.

در قالب این مدل، منابع پژوهشی موردنظر (مقالات، کتاب‌ها و...) دسته‌بندی شده و یافته‌های آن‌ها که در مرحله قبل کدگذاری باز شده است مورد تحلیل قرار می‌گیرند. به این منظور مبتنی بر نوعی روش عام داده‌بنیاد به پرچسب‌گذاری مفهومی کدهای استخراج شده از هر متن و درنهایت مقوله‌بندی این مفاهیم اقدام می‌کنیم تا بتوانیم به مقوله محوری پدیده و درنهایت اکتشاف نظریه از خوشه‌های مقوله‌ای برسیم. این مقولات با عمق مفهومی نیرومند مفصل‌های نظریه برآمده از داده را درنهایت تشکیل خواهند داد. این بلوک‌های مقوله‌ای مفصل‌های نظریه را تشکیل خواهند داد. در این راستا، ابتدا باید با ترکیب مقولات به محورهای اصلی پدیده رسید که کانونی‌ترین بخش مقوله‌ای و هسته معنایی پدیده مورد مطالعه محسوب می‌شود و اکتشافی افق‌گشا و کلیدی به چستی پدیده است و مرکز ثقل نظری محسوب می‌شود.

۴. تأملی بر الگوهای موجود در باب روش فهم اندیشه سیاسی امام خمینی

عیوضی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی» ضمن برشمردن قواعد حاکم بر منطق کنش سیاسی امام خمینی همچون: علم‌پذیرش پیش‌فهم‌های تاریخی - معرفتی در به‌کارگیری مفاهیم اساسی؛ شالوده‌شکنی معقولات عقلی، فلسفی و روشن‌فکری؛ وفاداری به قواعد حاکم بر اندیشه سیاسی شیعه و نوآوری در تبیین آن؛ پایبندی به مسیر تاریخی اندیشه سیاسی و نوآوری در موضع و منزل؛ پایبندی به منطق حاکم بر فقه و نوآوری در بسط موضوعات، از دو منظر، روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی را بررسی می‌کند:

1. Thomas A. Spragens

نخست آن که روش امام خمینی در تولید اندیشه سیاسی همواره روش شهودی و تجربی بوده است؛ و دوم این که روش فهم ما از اندیشه سیاسی ایشان بر اساس شش مؤلفه امکان پذیر است و آن مؤلفه‌های عبارت‌اند از: پویایی اندیشه سیاسی در پایایی بحران، مدل‌شناسی، آینده‌پژوهی، روش‌شناسی، اخلاق‌مداری، فرانگرش‌های مادی.

قریب بلوک و هزاوه‌ای (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «درآمدی بر روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی» با بررسی انواع مختلف روش تحلیل اندیشه سیاسی، ضمن وارد آوردن ایراد به روش متن‌گرا، به کاربرد هم‌زمان دو روش تحلیل تاریخی و قصدگرا، توجه و تأکید دارند و بر این باورند که: کاربرد دو روش مزبور در کنار هم می‌تواند از سویی هم موقعیت عینی تاریخی طرح اندیشه‌های سیاسی امام خمینی را روشن نماید و از سوی دیگر، مقاصد ایشان از کاربرد مفاهیم، اصطلاحات و بیان جملات را تبیین نماید. نگارندگان در بررسی دیگر روش‌های فهم اندیشه سیاسی با اشاره به روش تحلیل گفتمان، با اشاره به این نکته که اصولاً این روش برای تحلیل نظم‌های دانایی حول نهادهای عینی یا پدیده‌های خاص کاربرد دارد، معتقدند که قلمرو تحلیل اندیشه‌ها، تاریخ اندیشه‌هاست و قلمرو تحلیل گفتمان، تاریخ فکری؛ لذا کاربرد نادرست روش‌ها در کنار عدم توجه به نکات خاصی در خصوص اندیشه امام خمینی موجب تحریف می‌شود.

لک‌زایی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی» ضمن بررسی روش‌های مختلف قابل استفاده در فهم اندیشه سیاسی، تنوعی از روش‌های تحلیلی را برای این منظور پیشنهاد می‌کند؛ از این منظر، وی روش تحلیل سیستمی با هدف بررسی نظام سیاسی اسلام از دیدگاه امام، روش تحلیل گفتمانی با هدف مقایسه اندیشه و عمل سیاسی امام با دیگر متفکران و عالمان مسلمان و تبیین نوآوری‌های امام، روش بحران با هدف بررسی مشکلات ایران، جهان اسلام و نظام بین‌الملل از دیدگاه امام، روش مفهومی با هدف تسهیل در ارائه مباحث عمومی مستقل، و روش بین‌رشته‌ای با هدف انجام مطالعات عمیق در مقاطع تحصیلات تکمیلی و روش راهبردی با هدف بررسی اندیشه‌های راهبردی امام، به‌منظور به‌کارگیری در دکترین‌های نظام جمهوری اسلامی را ارائه می‌دهد.

باوی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی» با محور قرار دادن روش اجتهادی به بررسی روش‌شناسانه سه رویکرد تاریخی، غیرتاریخی، و تاریخ‌باوری در خصوص مطالعه اندیشه امام خمینی می‌پردازد. بر این اساس، نگارنده این مدعا را

طرح می‌کند که تاریخ‌باوری با داوری نسبی‌اندیشانه در باب «اندیشه»، مطالعه‌اندیشه گذشته را به امری عبث و بی‌ثمر تبدیل می‌کند. رویکرد غیرتاریخی نیز با بی‌توجهی کامل به تاریخ، فهم ناقص و حتی نادرستی از اندیشه‌های گذشتگان را منجر می‌شود؛ خصوصاً اگر در فاصله زمانی میان پژوهشگر و اندیشه‌ور، تحولات زیادی به بار آمده باشد که ممکن است در این صورت پژوهشگر تحت تأثیر موقعیت تاریخی خود، به درک غیرصحیحی از اندیشه‌های گذشتگان برسد. درنهایت، رویکرد تاریخی مدعی است ضمن آن که اصالت اندیشه و منطق مستقل آن را فدای تاریخ نمی‌کند، با پژوهش در زمینه‌ها و موقعیت تاریخی شکل‌گیری و تحول اندیشه فهم عمیق‌تری از آن را ممکن می‌سازد.

بیننده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «معرفت‌شناسی؛ چهارچوبی برای فهم اندیشه سیاسی امام خمینی» این گزاره را مطرح می‌کنند که میان اندیشه سیاسی امام خمینی و مبنای معرفتی ایشان، نسبت ابتدایی (مطابقت) وجود دارد و این ابتناء به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم برقرار است. نگارندگان بر این باورند که دو ابزار عقل و وحی، بیشترین تأثیر را بر اندیشه سیاسی امام خمینی داشته‌اند. این رویکرد معرفتی، در بسیاری از آرای سیاسی ایشان از جمله در موارد ذیل تجلی داشته است:

- شکل‌گیری اندیشه سیاسی امام در بستر معرفت کلامی - فقهی، حاکم شدن رویکرد الهیاتی و شرعی بر اندیشه سیاسی ایشان؛
 - تعیین منشأ وضع قانون و نیز این که حاکم چه کسی باید باشد؛
 - استناد به مقدمات عقلی و نقلی در تعیین اصول سیاسی مطلوب خود؛
 - ابتدای نظریه ولایت فقیه بر مجموعه‌ای از ادله نقلی با مقدمات کلامی شیعی؛
 - تعیین مرز میان حکومت مقبول و طاغوتی با اتکا به این ابزارهای معرفتی.
- همچنین نگارندگان بر این گزاره نیز تأکید دارند که اندیشه سیاسی امام خمینی علی‌رغم همه تأکدها بر اهمیت علوم حصولی، در دامن علم حضوری و بالخصوص دو دانش فقه و کلام تکوین یافته است. از دیگر یافته‌های این پژوهش، باور امام خمینی به امکان معرفت دینی است و باورمندی ایشان به پیوند دین و سیاست و فهم مسائل سیاسی در بستر اندیشه دینی نیز بر فرض همین مسئله ابتناء دارد.

مبناگرایی یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در ساخت اندیشه سیاسی امام خمینی دانسته شده است. اعتقاد به عبودیت به‌عنوان غایت معرفت نیز یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش است

چنانچه باور به این گزاره، موجب می‌شود تا تلقی ایشان از حکومت، نگاه وسیله‌انگارانه باشد و نه هدف‌غایی. پس، وظیفه‌گرایی/تکلیف‌مداری در حوزه سیاست و نه نتیجه‌گرایی از نتایج چنین رویکردی است.

برزگر (۱۳۹۳) در اثر خود با عنوان «اندیشه سیاسی امام خمینی؛ سیاست به‌مثابه صراط»، با بهره‌گیری از ترکیبی از روش‌های تحلیل محتوا و روش تفسیری، روش داده‌بنیاد و نیز روش مطالعات میان‌رشته‌ای، به بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی با تکیه بر سازمان‌دهی و چهارچوب‌سازی استعاره «صراط» در متون و آثار بیانی و بنانی برجای مانده از ایشان پرداخته است. به باور نگارنده «صراط و راه در اندیشه و زبان سیاسی امام خمینی نقشی هدایت‌گر و تعیین‌کننده دارد» و امام خمینی در قالب‌ریزی محتوای اندیشه و پیام خود از اسالیب بیانی راهی، صراطی، ظرفیت بیانی و قدرت گسترش‌یابی «راه» بهره گرفته است تا بتواند با زبان سهل و ممتنع تعابیر راهی، کنش‌گفتاری خویش را به بهترین شیوه اعمال کند و مخاطبان و رهروان راه خدا را توجیه و راهبری نماید و هم‌زمان اندیشه و عواطف و کنش آنان را تحت تأثیر قرار دهد و آنان را به صراط و غایتی که در پایان این راه در انتظار آنان است، رهنمون سازد.

نگارنده کل اندیشه سیاسی امام خمینی را در حوزه دست‌گاه معنی‌شناختی، نسخه‌برداری و الگوبرداری از راه عرفانی و سیر و سلوک فردی معرفی می‌کند. یکی دیگر از نتایج رویکرد راهی به سیاست در اندیشه امام خمینی، اصالت‌مندی راه عنوان شده است و نه رهبر و امام. نگارنده ضمن استناد به این بیان از امام خمینی، «کل هستی از اویی و به‌سوی اویی است»، این چنین استنتاج می‌نماید که این گزاره کلی‌ترین تلقی راهی ایشان از هستی‌شناسی است که در آن راه، هستی‌شناسی و غایت به یکدیگر پیوند می‌خورند و آخرت، عالم دیگر نیز در افق فهم و برنامه‌ریزی سیاست قرار می‌گیرد و رساندن انسان به آنجایی که باید برسد، هم در دنیا و هم در آخرت، در کانون توجه سیاستمداران اسلامی قرار می‌گیرد. برزگر معتقد است همین ویژگی یعنی «صراط محوری» اندیشه و رفتار امام خمینی است که نظریه انقلاب امام را پی‌ریزی و انقلاب را ضرورت پیدا می‌کند تا مردم و نظام منحرف از صراط را به صراط اصیل و غایت انسانی الهی خویش بازگرداند. در این مرحله، صراط خصلت انقلابی و برهم زتنده وضع موجود را بر اندیشه امام تحمیل می‌کند.

اسکندری (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی تحقیق در اندیشه امام خمینی» دیدگاه استنباطی بر مبنای پدیده‌شناسی را مبنای مناسبی برای بازخوانی اندیشه امام خمینی عنوان

می‌کند. به باور نگارنده، با توجه به سه سطح اساسی، کاربردی و عملی در تحقیقات، در مدل پیشنهادی خود، در سطح اساسی مبنای کار پدیدارشناسی است؛ در سطح کاربردی استفاده از شیوه تحلیل محتوا و در سطح عملی، به کارگیری فرضیه‌های تجربی خاص و شیوه آماری قابل کنترل تأکید دارد.

جمشیدی و سبزی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی» روش‌های برهانی فلسفی، جدلی کلامی، استنباطی فقهی، اخلاقی، تفسیری و تاریخی را روش‌های مرجح در فهم اندیشه سیاسی امام خمینی عنوان می‌کنند.

حسینی (۱۳۹۲) در اثر خود با عنوان «اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلی را به روش‌شناسی اجتهادی امام خمینی اختصاص داده است که در این بخش به تمایزات روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی اشاره دارد. وی در این فصل به اهمیت و جایگاه روش در اندیشه امام و روش‌شناسی اندیشه سیاسی شیعه، می‌پردازد که روش‌شناسی تطبیق فلسفه با شریعت، روش‌شناسی عقلی شیعه، روش‌شناسی اجتهادی شیعه، از جمله این روش‌ها هستند. همچنین، مؤلف پیرامون روش‌های تحلیل اندیشه سیاسی امام بحث می‌نماید. روش‌های تحلیلی موجود شامل روش تحلیل فقهی، روش نوگرایانه و روش واقع‌گرایانه می‌شود. وی با اشاره به روش‌شناسی اجتهادی امام و مبانی کلامی این روش، به برخی نوآوری‌های امام در حوزه اصول که منجر به نظریات سیاسی شده، همچون خطابات قانونیه، اصل اباحه، اراده، عدم تقید احکام شرعی به قدرت، تعلق امر به طبیعت کلی، قاعده رجوع جاهل به عالم، می‌پردازد. به اعتقاد مؤلف، نگاه جدید امام به رابطه دین و سیاست که موجب شکل‌گیری انقلاب سیاسی و فرهنگی در ایران شد، از مبانی و مبادی اصولی و فقهی ایشان نشأت گرفته است. نتایج تمایز روش‌شناسی آخرین فصل این بخش را تشکیل می‌دهد. «فقه الحکومه» یا همان صدور حکم حکومتی و ورود عنصر مصلحت در عرصه حکم‌شناسی، حاصل نگرش حداکثری به فقه و از مهم‌ترین نتایج تمایز روش‌شناختی ایشان است. قرار گرفتن عنصر عقل در کنار سایر روش‌های شناخت فقهی، از موارد تأثیرگذار در روی‌آوری به چنین رویکردی است. همچنین نحوه بهره‌گیری ایشان از اسناد، احادیث، روش بررسی وثاقت روایات و حجیت اسناد ذیل عنوان روش‌شناسی تاریخی امام مباحث قابل توجهی هستند.

خراسانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی فقه حکومتی در سپهر اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی» این فرض را مطرح می‌کند که ویژگی‌ها، ابعاد و سویه‌های روش‌شناسی فقه

حکومتی متأثر از این فرض است که فهم اجتهادی فقیهان معاصر به‌ویژه امام خمینی از شریعت و منابع فقهی، موجب گذار از فقه فردی به فقه حکومتی شده است. این گذار، نخست با تحول در ساحت روش اتفاق افتاد، به‌طوری که منجر به شکل‌گیری فقه حکومتی در جمهوری اسلامی ایران گردید. برخی از ویژگی‌های فقه حکومتی با توجه به اجتهادات فقهای معاصر، به‌ویژه آثار و مکتوبات امام خمینی عبارت‌اند از: نظام‌مندی؛ توجه به تاریخ؛ محوریت فرد مسلمان و آزادی آن در فقه حکومتی و تقدم آن بر دولت؛ توجه به مصلحت و مصالح اسلام؛ گسترش و کاربرد وسیع از قواعد فقهی؛ فهم حکومتی از نصوص و روایات؛ توسعه قلمرو دین به عرصه‌های اجتماعی و اداره جامعه؛ توجه به ملاکات احکام و مقاصد شریعت؛ محوریت جامعه در استنباط احکام؛ توجه به بعد اجرایی احکام؛ کاهش مراجعه به اصول عملیه (عدم احتیاط‌گرایی).

مصباح یزدی (بی‌تا) با تفکیک قائل شدن محکومات و متشابهات در اندیشه سیاسی امام خمینی، این چنین تصریح می‌کند: «همان‌گونه که قرآن متشابهاتی دارد که باید به قرینه‌هایی منظور آن‌ها فهمیده شود، در کلام پیروان قرآن نیز چه بسا متشابهاتی وجود دارد و تنها کسانی می‌توانند متوجه آن شوند که با قرینه‌ها و هدف و انگیزه متکلم آشنا باشند... امام^(ص) گاهی مطلبی را بیان می‌کردند که همگان متوجه قرائن و منظور امام^(ص) می‌شدند؛ به‌عنوان نمونه امام خمینی^(ص) در رأس امور بودن را برای چند مورد عنوان کرده‌اند. گاهی بیان کرده‌اند مجلس در رأس امور است و گاهی فرمودند اسلام در رأس امور است و موارد دیگری که باید با مراجعه به قرائن، منظور امام^(ص) را در هر مورد دریافت... در عصری که مردم کلام امام خمینی^(ص) را همچون کلام معصوم تلقی می‌کنند و به امام خود عشق می‌ورزند، اگر منافقان امام را زیر سؤال ببرند در حقیقت خود را منزوی کرده‌اند، از این رو با تمسک به سخنان متشابه امام^(ص) سعی می‌کنند خود را طرفدار امام جلوه دهند تا در جامعه برای خود جایگاهی بیابند» (URL: <https://mesbahyazdi.ir/node/2620>).

وی با بیان اینکه کسانی می‌توانند بیانات امام را متوجه شوند که با اهداف، سیره و تفکرات امام آشنا باشند، چنین تصریح می‌کند: «بهترین راهکار برای منحرفان و فتنه‌گران تمسک به کلمات متشابه امام است و منافقان کلماتی از امام^(ص) را گزینش می‌کنند تا بتوانند به مقاصد خویش برسند که این شیوه از صدر اسلام وجود داشته و منافقان همواره برای توجیه کارهای خود به سخنان پیامبر^(ص) استناد می‌کردند» (همان).

به باور مصباح یزدی، برای فهمیدن متشابهات باید به محکومات تمسک کرد و راه مطالعه

و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی، تنها از این معبر می‌گذرد که محک‌های اندیشه سیاسی امام خمینی را شناسایی کرده و متشابهات را بر آن عرضه بداریم تا ملاک محکمی برای این مهم در دست باشد.

قادری (۱۳۹۵) با تفکیک قائل شدن میان اندیشه سیاسی و آراء سیاسی امام خمینی، معتقد است برای فهم شایسته از نظام اندیشگی امام خمینی لازم است میان آراء سیاسی ایشان با اندیشه سیاسی ایشان تفکیک قائل شد. وی با اشاره به سیر تکوین و تطور در آراء سیاسی امام خمینی، معتقد است که اندیشه سیاسی ایشان نه تنها دچار تطور نگشته، بلکه در مرور زمان، تعمیق یافته است. برای مثال، نوع ارتباط جمهوری اسلامی با آمریکا را می‌بایست در آراء سیاسی امام دنبال کرد. در این خصوص، در اطلاعات و نوع کنش‌های امام شاهد نوعی تطور هستیم و حتی در شرایط پس از تسخیر سفارتخانه به دست دانشجویان نیز ایشان رابطه مجدد با این کشور را مشروط به برخی از شروط نمودند؛ این در حالی است که عدم تمکین از استکبار در شمول اندیشه سیاسی ایشان است و نمی‌توان آن را به عنصر زمان و مکان تقلیل داد؛ لذا، برای فهم ساختار اندیشه سیاسی امام خمینی، می‌بایست میان آرای سیاسی که محصول شرایط زمانی و مکانی (اقتضایی بودن آراء سیاسی) است و در نتیجه امری تبعی و متغیر است، با اندیشه سیاسی ایشان که با گذشت زمان، عمق بیشتری پیدا می‌کند تفاوت قائل شد.

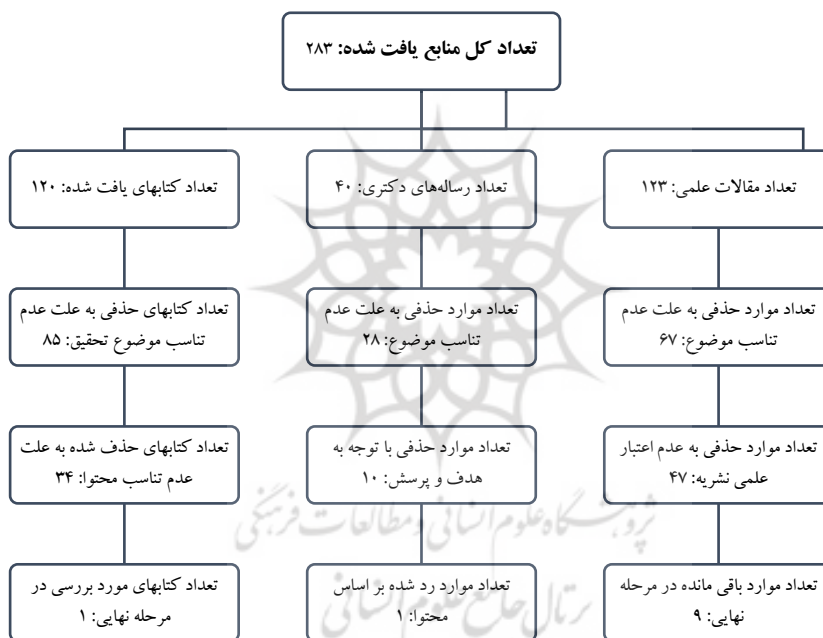
۵. یافته‌های تحقیق

گام نخست، طرح پرسش اساسی پژوهش: «علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای تنظیم و دستیابی به پرسش اساسی پژوهش معیارهای مختلفی مانند چه چیزی، چه زمانی و چگونه روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس، در این پژوهش، پرسش اساسی این است که «بر اساس چه روشی می‌توان به خوانشی قریب به واقع، کارآمد و مؤثر از نظام اندیشگی امام خمینی دست یافت؟».

در گام دوم و سوم، مرور ادبیات به شکل نظام‌مند و نیز انتخاب و غربالگری متون مناسب با بیشترین میزان تطابق با اهداف تحقیق حاضر مد نظر است:

جامعه آماری در این پژوهش، شامل مطالعاتی است که از جوانب و دیدگاه‌های مختلف به مسئله روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی پرداخته است؛ لذا در این گام، برای تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های موجود، نویسنده با بررسی دقیق منابع اعم از کتاب، پایان‌نامه،

رساله‌های دکترای تخصصی و نیز مقالات منتشرشده در نشریات معتبر علمی از طریق پایگاه‌های نمایه‌سازی مانند: ایرانداک، خانه کتاب، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پرتال جامع علوم انسانی، مگیران، نورمگز و SID جهاد دانشگاهی و ... به این یافته دست یافت که ۲۸۳ اثر در زمینه اندیشه سیاسی امام خمینی وجود دارد که حجم قابل توجهی از این اسناد به بحث روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی پرداخته بودند. در نهایت، در این پژوهش، محقق تنها اثر را که بیشترین قرابت موضوعی با عنوان تحقیق پیش‌رو را داشتند، مورد مطالعه قرار داده است. برای اطلاع از نحوه گزینش آثار مورد تأکید این تحقیق به نمودار شماره ۱ مراجعه بفرمایید:



نمودار شماره ۱: نحوه انتخاب منابع نهایی

بعد از احصای یافته‌های پژوهش‌های موجود در زمینه روش‌شناسی مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی، محقق آن‌ها را بر اساس حوزه محتوایی دسته‌بندی کرده و سعی نموده است تا مجموعه نظام‌مندی را برای مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی ارائه نماید. به طبع، پرسش هر یک از روش‌های پژوهشی متداول، برخی ملاحظات را نیز در درون خود لحاظ می‌کند که از

این حیث روش را منقح‌تر می‌نماید. برای اطلاع از روش‌های پژوهشی موجود در باب مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی و نیز ملاحظات روشی آن‌ها به جدول شماره ۱ مراجعه فرمایید.

جدول شماره ۱؛ روش‌ها و ملاحظات در باب فهم اندیشه سیاسی امام

مقاله	روش مطلوب برای فهم و مطالعه	ملاحظات روشی
مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی	روش شهودی و تجربی (عیوضی، ۱۳۹۶)	توجه به پویایی‌های اندیشه سیاسی اسلام در دیدگاه امام / اخلاق‌مداری در اندیشه سیاسی امام / فرانگرش‌های مادی در اندیشه سیاسی امام
	روش تحلیل تاریخی و مقصدگرا (قریب بلوک و هزاوه‌ای، ۱۳۹۶)	نقد روش متن‌گرا / لزوم توجه به موقعیت عینی تاریخی / نقد روش تحلیل گفتمان
	روش تاریخی (باوی، ۱۳۸۱)	نقد رویکرد غیرتاریخی و رویکرد تاریخ‌باوری نسبی اندیشانه
	تکثر روشی با تأکید بر روش تحلیل سیستمی برای مطالعه و فهم چستی نظام سیاسی اسلامی از منظر امام خمینی (لک زایی، ۱۳۸۹)	روش تحلیل سیستمی بری مطالعه نظام سیاسی اسلام / روش تحلیل گفتمان برای مطالعات هم‌سنجی / روش مفهومی برای مباحث عمومی / روش بین‌رشته‌ای برای مطالعات عمیق دانشگاهی / روش راهبردی برای مطالعه اندیشه‌های راهبردی
	روش معرفت‌شناختی مبنی بر تلازم عقل و وحی (بیننده و همکاران، ۱۳۹۸)	بهره‌مندی از روش‌های کلامی - فقهی در کنار روش‌های عقلی - استنباطی
	روش ترکیبی (برزگر، ۱۳۹۳)	روش تحلیل محتوا / روش تفسیری / روش داده بنیاد / روش مطالعات میان‌رشته‌ای
	روش استنباطی بر مبنای پدیدارشناسی (اسکندری، ۱۳۸۵)	استفاده از شیوه تحلیل محتوا در سطح کاربردی و به کارگیری فرضیه‌های تجربی خاص و شیوه آماری قابل کنترل در سطح عملی
	روش ترکیبی (جمشیدی و سبزی، ۱۳۹۲)	روش برهانی فلسفی / جدلی کلامی / استنباطی فقهی / اخلاقی / تفسیری و تاریخی
	روش فقهی اجتهادی (خراسانی، ۱۳۹۲) و (حسینی، ۱۳۹۲)	روش نوگرایانه در تحلیل فقه و روش واقع‌بینانه
	روش اکتشافی	تمایزبخشی محکمت از متشابهات در اندیشه سیاسی (مصباح یزدی، بی تا)
	تمایزبخشی آراء سیاسی از اندیشه سیاسی (قادری، ۱۳۹۵)	

گام چهارم به بررسی یافته‌های پژوهش‌های موجود در زمینه روش‌شناسی مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی اختصاص می‌یابد. در گام پنجم، محقق به تجزیه، تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی، مقوله‌بندی و حیطه‌بندی روش‌های مطالعه و فهم اندیشه سیاسی ایشان اقدام

می‌کند. در واقع، هدف از فراترکیب، دستیابی به تفسیر یکپارچه و جدید از یافته‌های موجود است تا محققین بعدی مسیر هموارتری برای مواجهه با مسئله این تحقیق داشته باشند.

در گام پنجم از روش فراترکیب، با توجه به مباحث مطرح در جدول شماره ۱، می‌توان چنین اظهار داشت که به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی امام خمینی بر بستر دو عامل دانش فقه جواهری و تاریخ‌مندی شکل گرفته است؛ لذا روش مرجح برای فهم اندیشه سیاسی امام خمینی، بهره‌گیری از ترکیب روش‌هایی است که هم ویژگی زمینه‌مندی اندیشه سیاسی را در ارتباط با زمان و مکان ملحوظ بدارند و هم ناظر به اصول فقهی حوزه اجتهادی شیعی باشد. به نظر می‌رسد ایشان به تکرار، حفظ نظام اسلامی را از واجبات عقلی دانسته‌اند و حتی آن را بر قواعد و چهارچوب‌های فقه سنتی مقدم قلمداد کرده‌اند؛ لذا ملاک زمان و مکان (زمینه‌مندی اندیشه سیاسی در بافتار تاریخ) ملاک مهمی در فهم اندیشه سیاسی ایشان محسوب می‌شود. از سویی دیگر، تأکیدهای ایشان بر لزوم بهره‌گیری از «عقل سیاسی»، نشان از رویکرد واقع‌بینانه در زمینه امر سیاسی دارد. در این صورت، می‌توان منطق حاکم بر کنش سیاسی ایشان را نوعی الگوی «آرمان‌گرایی واقع‌بین» تلقی کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

نگارنده بر این باور است که برای ارائه یک الگوی نظری در باب مطالعه و فهم اندیشه سیاسی یک اندیشمند، نیازمند به شناخت چهارچوب و یا منطق درونی حاکم بر کنش سیاسی وی هستیم؛ چنانچه منطق کنش حاکم بر آرای سیاسی یک اندیشمند را کشف نماییم، دستیابی به روش مطالعه و فهم اندیشه سیاسی او هموار می‌گردد. در مورد امام خمینی، شواهد فراوانی در تأیید الگوی منطق کنش سیاسی «آرمان‌گرایی واقع‌بینانه» ایشان - نه واقع‌گرایی سیاسی مرسوم در مطالعات سیاسی - می‌توان ذکر نمود که ایشان ساخت نظام سیاسی مورد نظر خود را بر مبنای اصولی چون وسع و تدرج مبتنا نهاده‌اند (دهشیری، ۱۳۷۸)؛ لذا برای مطالعه و فهم شایسته اندیشه سیاسی امام خمینی، نیازمند ملحوظ داشتن عناصر زمان و مکان و نیز شناخت از رویکرد و فهم فقیهانه ایشان از سیاست‌ورزی اسلامی هستیم. بر این اساس، لاجرم از شناخت بن‌مایه‌های فلسفی، کلامی و فقهی اندیشه سیاسی اسلامی - شیعی و سپس توجه به بافت زمان و مکان در هنگامه سیاست‌ورزی ایشان هستیم. در این خصوص، بهره‌گیری از روش‌های تک‌بعدی نمی‌تواند شناخت مطلوبی از اندیشه سیاسی ایشان ارائه دهد و از همین منظر، نیازمند استفاده

از روش‌های ترکیبی برای این منظور هستیم. نکته حائز اهمیت در این بحث، تغییر در جایگاه کلمات در بافت‌های متفاوت است؛ برای مثال، روش تحلیل محتوا به صرف توجه به میزان تکرار برخی واژگان و مفاهیم بدون توجه به معنای آن واژه در ساخت زبانی‌ای که در آن مورد استفاده قرار گرفته، نمی‌تواند تصویر دقیقی از نظام اندیشگی ایشان ارائه دهد؛ لذا، توجه به بافت متن (شرایط زمانی، مکانی، و نیز فحوای کلام) عنصری مهم در مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی محسوب می‌شود. در واقع، آنچه آراء سیاسی را از اندیشه سیاسی تمیز می‌دهد - هرچند اولی فرع دیگری محسوب می‌شود - توجه به همین نکته است که اندیشه یک فرد اندیشمند در طول زمان، عمق بیشتری می‌یابد و زایش‌های آن فزونی می‌یابد، ولی آرای سیاسی زایشی از اندیشه در جغرافیای زمان و مکانی مشخص است و طبعاً امکان تغییر آن در طول زمان به واسطه تغییر در مؤلفه‌های شکل دهنده به آن وجود دارد. چنانچه فقیهان اصولی در هنگامه اعلام حکم شرعی، همین عوامل را لحاظ می‌دارند و ممکن است با تغییر در شرایط، حکم نیز تغییر یابد.

وجه دیگر از یافته‌های پژوهش، وجه انتقادی نسبت به روش‌های موجود و مورد استفاده قرار گرفته در مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی است؛ از این منظر، لازم است با مراجعه به پیش‌فرض‌های هر یک از روش‌های پژوهش در خصوص کاربست‌پذیری آن در ارتباط با اندیشه امام خمینی تأمل نمود. برای مثال، روش‌های پساساختارگرا متأثر از اندیشه فوکو، با قائل شدن نوعی همبستگی میان استفاده از زبان و قدرت، این امر را به صورت پیش‌فرض پذیرفته است که زبان برای قدرتمندان و صاحبان امتیاز جنبه ابزاری دارد و در حفظ و حمایت از پایگاه سیاسی - اجتماعی آن‌ها عمل می‌کند (Foucault, 1977: 93).

در مجموع، فهم اندیشه سیاسی امام خمینی در چهارچوب قرائت نوگرایان فقهی معاصر یا همان جریان عقل‌گرای اجتهادی شیعی میسر است و خوانش ایشان از امر سیاسی نیز متأثر از همین فهم فقیهانه از سیاست است؛ لذا برخلاف آنچه که برخی معتقدند تقدم مصالح نظام اسلامی بر احکام اسلامی به نوعی کنار گذاشتن شریعت به نفع امر عرفی است، نگارنده بر این باور است که این رویکرد ناشی از فهم فقیهانه و نگرش نواندیشانه ایشان نسبت به امر دینی و قدسی بوده است. بر این مبنا، برای فهم چیستی و ماهیت اندیشه و نیز منطوق درونی کنش سیاسی امام خمینی ناگزیر از توجه به مبادی و اصول حاکم بر جهان‌نگرش فقهی ایشان هستیم.

اما در بُعد دوم این تحقیق که مسئله روش فهم است، به نظر می‌رسد اندیشه سیاسی امام خمینی به مانند هر متفکر دیگر در بستر زمان و در چالش با شرایط محیطی، سیر تطور و تکامل

خود را طی کرده و ویژگی‌های فهم فقیهانه و نواندیشانه ایشان از امر قدسی موجب شده است تا امر سیاسی انعطاف‌پذیری لازم را بیابد و وضعیت جمود و متصلب به خود نگیرد. بر این مبنا، در باب روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی، عنصر زمان و مکان نقش محوری داشته و کاربست روش‌های متن‌گرا در کنار روش‌های برهان عقلی می‌تواند ظرفیت بالاتری برای فهم اندیشه سیاسی ایشان را فراهم آورد. علت تأکید بر روش‌های عقلی - برهانی نیز به محدودیت‌های روش‌های متن‌گرا بازمی‌گردد؛ چنانچه برخی از کنش‌های سیاسی امام خمینی همچون فرمان ایشان مبنی بر تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و یا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد اقداماتی هستند که بیش از هر چیز ریشه در ضرورت حفظ مصالح نظام اسلامی به عنوان مصلحت‌آورد دارد و به صورت قابل توجهی بر مبنای تکیه بر مؤلفه «عقل سیاسی» قابلیت تحلیل دارند؛ از حیث روشی، رجوع به متن نمی‌تواند پاسخی روشنی به سؤالات پژوهشگران در این عرصه دهد. در واقع، به نظر می‌رسد ریشه برخی از کنش‌های سیاسی امام خمینی را می‌توان با مراجعه به عقل و عرف مرسوم در کنش سیاسی جست‌وجو نمود؛ البته عقل سیاسی مورد نظر ایشان نیز خارج از ارزش‌های مکتب اسلام نیست و ساحت اندیشه‌ورزی ایشان حتی در امر عرفی نیز تأثیرپذیرفته از ارزش‌ها و اصول مکتب است.

منابع

- اسپریگنز، توماس. (۱۳۷۰) **فهم نظریه‌های سیاسی**، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- اسکندری، مجتبی. (۱۳۸۵) «روش‌شناسی تحقیق در اندیشه امام خمینی»، **مجله علوم انسانی**، سال پانزدهم، شماره ۶۵: صص ۵۱-۳۵.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- باوی، محمد. (۱۳۸۱) «تأملی در روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی امام خمینی»، **فصلنامه علوم انسانی** (دانشگاه امام حسین)، سال یازدهم، شماره ۴۱: صص ۳۲-۵.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۹) «ساختار فهم اندیشه سیاسی در اسلام»، **دانش سیاسی**، سال ششم، شماره ۲: صص ۷۲-۴۳.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۳) **اندیشه سیاسی امام خمینی: سیاست به مثابه صراط**، تهران: سمت.
- بیننده، عبدالله؛ علی حسینی، علی؛ هرسیج، حسین. (۱۳۹۸) «معرفت‌شناسی؛ چهارچوبی برای فهم اندیشه سیاسی امام خمینی»، **سیاست متعالیه**، سال ۷، شماره ۲۶: صص ۷۰-۵۱.

- جمشیدی، محمدحسین؛ سبزی، داود. (۱۳۹۲) «روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۲، شماره ۷: صص ۳۰-۷.
- حسنی فر، عبدالرحمن. (۱۳۹۶). «کالبدشکافی قدرت سیاسی در پرتو بررسی معنای «امر سیاسی»: ارائه چهارچوبی جدید برای شناخت «امر سیاسی»»، جستارهای سیاسی معاصر، سال هشتم، شماره سوم، صص ۵۲-۲۹.
- حسینی، مریم‌السادات. (۱۳۹۲) اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خراسانی، رضا. (۱۳۹۲) «روش‌شناسی فقه حکومتی در سپهر اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۹: صص ۶۸-۴۷.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۸) «پیوند سیاست داخلی و سیاست خارجی در اندیشه امام خمینی»، حضور، شماره ۲۸. قابل دسترس در: <http://ensani.ir/fa/article/53750>
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۹۱) در آمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شیروودی، مرتضی. (۱۳۹۰) «روش‌شناسی بومی سازی مفاهیم مدرن سیاسی؛ مطالعه موردی: سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله نائینی و امام خمینی»، دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۹۶) «روش‌شناسی مطالعه و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی»، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۳: صص ۹۵-۱۲۶.
- فروند، ژولین. (۱۳۷۲) نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قادری، سیدعلی. (۱۳۸۰) امام خمینی در پنج حوزه معرفت سیاسی، تهران: نشر حضور.
- قریب بلوک، سمیه؛ هزاوه‌ای، سید مرتضی. (۱۳۹۶) «درآمدی بر روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی امام خمینی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۰: صص ۴۵-۵۸.
- لکزایی، نجف. (۱۳۸۴) سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- _____ . (۱۳۸۹) «روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۳: صص ۷۷-۹۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی (بی تا). «منافقان برای حفظ جایگاه خود در بین مردم دم از امام

می‌زنند». قابل دسترس در پایگاه اطلاع‌رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی:

URL: <https://mesbahyazdi.ir/node/2620>

- موفه، شانتال. (۱۳۹۱) *درباره امر سیاسی*، ترجمه منصور انصاری، تهران: رخداد نو.
- میراحمدی، منصور. (۱۳۹۰) «فقه و امر سیاسی» *جستارهای سیاسی معاصر*، سال دوم، شماره اول، صص ۱۳۶-۱۱۷.
- ورعی، سیدجواد. (۱۳۹۴) *اندیشه‌های فقهی امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- Aguirre, R. T. & Bolton, K. W., (2014) Qualitative Interpretive Meta-Synthesis in Social Work Research: Uncharted Territory. *Journal of Social Work*, 14(3), pp. 279–294.
- Britten, N. & et al., (2002). “Using Meta Ethnography to Synthesise Qualitative Research: a Worked Example”. *Journal of Health Services Research & Policy*, 7(4), pp. 209–15.
- Paterson, B. L., & et. Al., (2001). *Meta-synthesis of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-Analysis and Meta-Synthesis*. London: Sage
- Hegel. Georj. w., (1977). *Lectures on The Philosophy of World History*, by H.B. Nibešt, Combridge University Press.
- Mills, C. W., (1970). *The Sociological Imagination*, Harmondsowrt: Penguon.
- Sherwood, G. D., (1997) *Meta-Study of analyses of caring: defining a therapeutic model of nursing*. *Advansse Practis Nursing Qualitative*, 3(1), pp. 32-42.
- Randall Viky and Robin Theobald, (1991) *Political Change and Underdevelopment*, London: Macmilan Publication,
- Sandelowski, M. & Barroso, J., (2007) *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York: Springer.
- So, Alvin, Y. (1990). *Social Change and Development*, U.S: Sage Publication Ltd.
- Webster, A., (1990). *Introduction to the Sociology of Development*,

London: Macmillan Publication, 1990

- Zimmer, L., (2006). "Qualitative Meta-Synthesis: A Question of DiD aloguing with Texts". Journal of Advanced Nursing, 53(3), pp. 311-318.

